

تحصیل با قهرمانان وطنی

خبری از بتمن نیست، از مرد عنکبوتی نیز همین طور، حنای قدرت نمایی هایشان رنگ باخته است انگار. سیندرلا و سفیدبرفی هم نیامده‌اند، به گوششان رسیده است که طنازی هایشان خریدار ندارد. از کیتی هم ردی به چشم نمی‌آید. اگر بود، با آن چشم‌های دکمه‌ای باید جان گرفتن رقیب‌های ایرانی‌اش را تماشا می‌کرد. از پسر دلقینی و ایلپا گرفته است تا نمنین و مفاخری چون استاد فرشچیان، شهدای هسته‌ای و... اینجا «ایران نوشت» بزرگ‌ترین نمایشگاه عرضه نوشت‌افزار ایرانی اسلامی در شرق کشور است.



روزنامه‌نگار
فراتر از شهادت

گزارش
روز

چو ایران نباشد...

به جمع تولیدات وطنی خوش آمدید! ساخت ایران، که با کلمات فارسی و انگلیسی روی ریز و درشت نوشت‌افزار درج شده است، به ضمیمه پرچم سه‌رنگ کشورمان، حس حضور در یک بزم خودمانی را به بازدیدکننده القا می‌کند؛ بازدیدکننده‌هایی که ترجیح می‌دهند محصول کار کارگر هم‌وطنشان را بخرند. نمونه‌اش یکی از بانوان همشهری که با فرزندانش امیرعلی یازده‌ساله و الینا هفت‌ساله آمده است. می‌گوید منزلشان در محدوده الهیه است و با اتوبوس یک ساعت در مسیر بوده‌اند تا خودشان را به محل برگزاری نمایشگاه واقع در زیرگذر حرم مطهر رضوی برسانند. آسوده است از اینکه فرزندان خردسالش را برای خرید به جایی آورده است که لازم نیست نگران آسیب‌های فرهنگی احتمالی کالاهایش باشد. می‌داند که اجناس عرضه‌شده، تحت نظارت است و می‌شود بر کیفیتشان تا حد زیادی حساب باز کرد. می‌ماند موضوع قیمت‌ها که تا اینجا کار از آن راضی است و می‌گوید: قیمت‌ها را با جاهای دیگر مقایسه نکردم، اما برای خانواده ما که وضع مالی متوسط داریم، خوب است. سید خربد امیرعلی و الینا پر از ملزومات مدرسه است. الینا خوش‌حال است از اینکه دفتر مشق با طرح جلد گل‌پیدا کرده است؛ درست مثل پیراهنی که به تن دارد. دفترهایی که امیرعلی انتخاب کرده است نیز تصویر جلد‌های متنوعی دارد. مثلاً روی یکی از آن‌ها لیخند و نگاه عمیق سردار سلیمانی دیده می‌شود. روی دیگری چند اسب سپید و رؤیایی با این عبارت که، چو ایران نباشد، تن من میاد.

رؤیاهای کودکی

پربناز ده‌ساله یک دفتر نقاشی با تصویری خیال‌انگیز را انتخاب کرده است. روی سر گربه، یک دختر بچه چوپان با آن چشم‌های درشت و مهربان و موهای بلند بافته شده نشسته است و دارد برای گوسفندهایش فلوت می‌زند. او به همین دلیل این دفتر مشق را به عنوان یادگاری‌اش از سفر به مشهد انتخاب کرده است. اهل تهران است و همراه خانواده برای زیارت آمده بودند که متوجه برگزاری این نمایشگاه در جوار حرم رضوی شدند. در سید خرید دخترک، بسته هشت‌تایی از خودکارهای رنگی به قیمت ۸۳ هزار تومان راهم می‌شود دید. به اضافه چند قلم جنس دیگر که برای برادر کوچکش انتخاب کرده است. ذوق کودکانی که با سبدهای خرید در دست، از این سوبه آن سوی نمایشگاه می‌دوند، دیدن دارد. همین‌طور شنیدن صدازدن والدینشان وقتی شخصیت‌های کارتونی آشنا مثل مل مل را روی نوشت‌افزار می‌بینند. برای خرید عجله دارند و تقلاً؛ طوری که انگار اگر دیر بجنبند، بازی‌های فکری و نوشت‌افزار عرضه‌شده تمام می‌شود.

محمدآیین که امسال به کلاس دوم می‌رود، یکی از نمونه‌هاست. در سید خرید او ظرف چاشت، قمقمه آب و جعبه دوازده‌تایی مداد رنگی دیده می‌شود. در دست‌های کوچکش نیز چند مداد مشکی و گلی را به‌نشانه، مال خودمه، محکم گرفته است. مادر بزرگ محمدآیین از طریق پیامک در جریان برگزاری این نمایشگاه قرار گرفته و به‌گوش رسانده است تا همراه نوه‌اش برای خرید بیایند. از حضورشان در این فضا راضی به‌نظر می‌رسند. وقتی از مادر کودک درباره کیفیت و قیمت کالاهایی که انتخاب کرده‌اند می‌پرسیم،

بالیخند ابرار رضایت می‌کند و با غرور می‌گوید: «تولید ایران‌ه دیگه!»

آرزوی محقق‌شده

کفه تنوع برای کیف دختران نوجوان با طرح‌های مختلف اسلامی، سنگین‌تر از پسران هم‌سن و سالشان به نظر می‌رسد. چند قدم جلوتر کیف‌های مناسب برای مهدکودکی‌ها و دبستانی‌ها چیده شده است. کیف‌های صورتی با طرح دختر بچه‌های شاد و چادری ۳۷۵ هزار تومان و کیف‌های طرح ایلپا نیز ۸۰۰ هزار تومان قیمت خورده است. چهره ایلپا با آن چشم و ابروی سیاه و ژست قهرمانانه‌اش دغدغه محقق‌شده دلسوزان فرهنگی است که تا همین چند سال پیش از زنجیره‌ای نبودن تولیدات فرهنگی در کشور گله داشتند و کیف، نوشت‌افزار و عروسک‌های باری را مثال می‌زدند. دخترهای منقوش به طرح ایلپا که چندمتر آن‌سوتر لایه‌لای دخترهای عرضه‌شده جای گرفته است، نشان می‌دهد که گام‌های نخست برای رفع این دغدغه برداشته شده است. خریدارانی که ماجرای زندگی پرفراز و نشیب این نوجوان، دلیل بی‌پدری‌اش، اشتغالش در یکی از چلوکبابی‌های شهر برای کمک به معیشت خانواده و ماجرای حق‌طلبی‌های او و رفقاییش را ندانند، با اسکن‌کد کیوار پشت جلد دفترها، با این پویانمایی آشنا خواهند شد. اگر حساسیت‌های مسئولان برگزاری به اسلامی و ایرانی بودن طرح‌های ارائه‌شده نبود، حتماً تنوع کالاهای در ایران نوشت از وفوری که اکنون می‌بینیم، بیشتر بود. یکی از مسئولان برگزاری نمایشگاه برایمان از کوله‌پشتی‌هایی می‌گوید که پیش از عرضه و در بازبینی نهایی رد شده است. به این دلیل که سرزبانی آن منقوش به پرچم یکی از کشورهای بیگانه بود و این دست محصولات دست‌کم در این نمایشگاه جایی برای عرض‌اندام ندارند.

شاد مثل خانواده

روی نمونه‌ای دیگر، تصویر پدری دیده می‌شود که خم شده است و دو کودکش روی کمر او نشسته‌اند و بازی می‌کنند. مامان هم بالیخند مواظب است که بچه‌ها نرفتند. این هاگوشه‌ای از محصولات ۸۹ تولیدکننده ایرانی است که از استان‌های یزد، اصفهان، خراسان رضوی، مرکزی و تهران در نمایشگاه مشهد شرکت کرده‌اند. فعلاً را حسین هشت‌مورد مربوط به تولیدکننده‌های خراسان رضوی است. البته فعلاً. او را چند دقیقه‌ای متوقف و برای گفت‌وگو همراه می‌کنیم. می‌گوید: لایه‌لای مشغله‌همانگی‌ها چند غرفه دیگر و احتمالاً به تعداد شرکت‌کنندگان این رویداد که تا دم‌مهر ادامه دارد، اضافه می‌شود. بابت پر بودن انبار از کالاهایی که مستقیم از تولیدکنندگان خرید شده، آسوده است. با این حال، می‌گوید که برخی اجناس نیز در گرماگرم برپایی نمایشگاه، از او درباره چند نمونه کالای غیر ایرانی که در نمایشگاه دیده‌ایم، می‌پرسیم و توضیحات مفصلی می‌شنویم. خلاصه‌اش این است که همگی مربوط به اقلامی هستند که تولیدکننده داخلی ندارند یا اینکه تولیدات داخلی اندک و ضعیف است. در این اوضاع، تلاش شده است محصولات انتخاب شوند که مربوط به شرکت‌های چندملیتی و تحت‌لیسانس باشد که دست‌کم بخشی از تولید و بسته‌بندی‌شان داخل کشور انجام می‌شود.

مخاطبان خاص

در بخش عرضه جامداتی‌ها یکی از پسران نوجوان بازدیدکننده با تصور اینکه از کارشناسان فروش در نمایشگاه هستیم، از قیمت یک جامداتی که با پارچه پلنگی دوخته شده است، می‌پرسد. صدرا فارسی را با لهجه ترکی ادا می‌کند و می‌گوید از تبریز و به‌صورت اردویی به مشهد آمده است. برچسب قیمت ۱۶۳ هزار تومان این جامداتی‌خوش‌دخت با طرح ادوات نظامی را که نشانش می‌دهیم، «اوه، کشداری دریافت می‌کنیم، به اضافه کلماتی ترکی که احتمالاً غرولند است، بابت گرانی کالایی که حسابی آن را پسندیده است. بعد هم آن را با اکراه می‌گذارم سر جایش و می‌گویم: این همه پول همراهم ندارم. واکنش‌های مشابه دیگری نیز برای این بخش از نمایشگاه وجود دارد، مثلاً مکالمه پسر بچه‌ای درباره یکی از جامداتی‌ها که با پاسخ منفی پدر به درخواست خرید فرزندش همراه می‌شود: نه پسر، اینا خیلی گرونه، بخش میز تحریر و صندلی دانش‌آموز نیز با طرح‌های متنوع از پویانمایی‌های فیل‌شاه، بیعی و بیعو و... با قیمت حدود یک میلیون تومان از دیگر بخش‌هایی است که خرید آن با جیب برخی بازدیدکننده‌ها نمی‌خواند. برخی‌ها هم اعتقادی به این‌طور خریدها ندارند، مثل آقای حسین زاده ملکی که فرهنگی است و به تنهایی برای خرید نوشت‌افزار آمده است. او می‌گوید: به‌نظرم بچه با نوشت‌افزار گران درس خوان بار نمی‌آید. چون اشباع می‌شود و به اصطلاح پاداش خود را در جمع هم‌کلاسی‌هایش با همان وسایل شیک، گران و خاص می‌گیرد. یکی از مربی‌ها آمده است بین والدینی که همراه بچه‌هایشان برای خرید آمده‌اند و آن‌ها را به حضور در غرفه کودک دعوت می‌کند.

به انتخاب تولیدکننده

جای شخصیت‌های اساطیری را در میان انبوه طرح‌های به‌نمایش درآمده خالی می‌بینیم. ارجمندپور چرایی این غیبت را این‌طور برایمان توضیح می‌دهد: اگر به سایت

ایران پروانه وابسته به «مجمع نوشت‌افزار ایرانی اسلامی»، مراجعه کنید، می‌بینید که محتواهای اشاره‌شده در اختیار تولیدکننده‌های نوشت‌افزار اعم از ۱۲۰ تایی که عضو مجمع هستند و دیگریانی که عضو نیستند، قرار داده شده است. اما اینکه در نهایت کدام طرح برای تولید انتخاب شود، با خود تولیدکننده است.

او ادامه می‌دهد: یکی از تولیدکننده‌هایی که در چند سال گذشته از این قبیل طرح شخصیت‌های اساطیری استفاده می‌کرد، امسال رسته تولیداتش را تغییر داده است. برخی تولیدکننده‌ها هم بازار خودشان را دارند که باید آن‌ها را تأمین کنند. یعنی تولیداتشان به اندازه نیاز بازار نیست. در مجموع اصلاً این‌طور نبوده است که ما به عنوان متولیان نمایشگاه خواهیم این تولیدات را به مخاطب عرضه کنیم. تبلیغات کم‌رنگ درباره پوشش «همه حاضر، که در حاشیه نمایشگاه در حال برگزاری است، یکی دیگر از نقدهایی است که با دبیر نمایشگاه در میان می‌گذاریم و وعده او برای تکمیل فضا سازی این غرفه را دریافت می‌کنیم؛ غرفه‌ای که در آن نوشت‌افزار به دانش‌آموزان نیازمند، اهدا و با همکاری بنیاد برکت میان جامعه هدف، توزیع می‌شود. ارجمندپور از تلاش همکارانش برای برگزاری نخستین نمایشگاه ایران نوشت در مشهد هم‌زمان با استان‌های فارس، تهران، قم و یزد می‌گوید، با این تأکید که درباره‌ی نقص و کامل بودن آن ادعایی ندارند.



عکس: حجت‌القیصری/شهرآر



۴



۵

خوشبختی یعنی...

ساعت از ۱۲ ظهر عبور کرده است. بیش از ۱۲۰ دقیقه از آغاز به‌کار نمایشگاه در نوبت صبح می‌گذرد و جمعیت کودکان و نوجوانان همراه خانواده‌هایشان در فضای ۳ هزارمتری این فروشگاه نوشت‌افزار ایرانی اسلامی رو به افزایش است.

با یک صدا و چند نگاه تا خروجی نمایشگاه بدرقه می‌شویم. نگاه آرمان علی‌وردی و رفقای شهیدش که روی تعدادی از نوشت‌افزارها نقش بسته است و یادمان می‌آورد که برپایی همراه با آرامش این رویداد فرهنگی اقتصادی در شهر امام‌رئوف رامدیون چه‌کسانی هستیم و طنین هم‌خوانی کودکانه‌ای گوش‌نواز که این‌طور از بلندگوها پخش می‌شود: خوشبختی یعنی نون حلال بابا، مهر حضرت زهرا توی خونه مون باشه...



۶

۳

اشبه

۱۲ شهریور ۱۴۰۲
۲۲ مهر ۱۳۹۵
۹۰۳۲ شماره

۱۳

SHAHRAKNEWS.IR



جامعه